



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکرما  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# نسیبِ محبت

نکتہ ہائے ذریاب و محبت و رحمت



حبیب اللہ طر حیرا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نسیم بهشت: نکته هایی در باب محبت و رحمت

نویسنده:

حبیب الله فرحزاد

ناشر چاپی:

طوبای محبت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	نسیم بهشت: نکته هایی در باب محبت و رحمت
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۳	مقدمه
۱۵	فهرست مطالب
۲۴	مظهر رحمت خدا
۲۵	محبت و انس
۲۵	تألیف قلوب
۲۷	حیات پاک
۲۷	نردبان کمال
۲۸	وقت ملاقات
۲۹	غناى الهى
۲۹	رحمت محض
۳۰	بوی رحمت الهی
۳۱	خوش بینی به خداوند
۳۲	یأس از خود
۳۲	سیراب محبت
۳۳	حبیب خدا
۳۳	مدار عشق
۳۴	انگیزه آفرینش
۳۴	رحمت گسترده خداوند
۳۵	خلوت دل
۳۵	نشستن با خدا

۳۶	گمان خوب و بد
۳۶	پیامبر رحمت
۳۷	ظهور رحمت
۳۸	نزدیک تر از من به من
۳۸	ناز بنده
۳۹	محبت صانع
۴۰	تقرب به پیامبر صلی الله علیه وآله
۴۱	لطف و قهر
۴۱	لذت محبت
۴۲	جان پیامبر
۴۲	شیرینی محبت
۴۳	شور دیدار
۴۳	پیام آوران محبت
۴۴	جذب محبت
۴۴	بلا و نعمت
۴۵	مهر خدا
۴۵	لذت ماندگار
۴۶	به دنبال آدم
۴۶	کیمیای محبت
۴۶	در محضر مذکور
۴۷	شور عاشقی
۴۸	خارها گل می شود
۴۸	اعراض از دشمن
۴۹	بنده محبت
۴۹	استن حنانه
۵۰	کار محبت

۵۱	مقام محبوبیت
۵۲	باغبان زیبایی ها
۵۲	آب محبت
۵۳	محبت در عبادت
۵۴	محبت پیامبر
۵۴	گردونه محبت
۵۵	مقام ادب
۵۶	محبت تام
۵۶	صفت رحمانیت
۵۷	حمام محبت
۵۸	پیام محبت
۵۹	دوستان اهل بیت علیهم السلام
۶۰	باغبان هستی
۶۰	مسیر اهل بیت علیهم السلام
۶۱	ارزش محبت
۶۱	دلسوزی برای امت
۶۲	طعم محبت
۶۲	خداشناس ترین مردم
۶۳	دلالت محبت
۶۳	بهشت محبت
۶۴	پیک خدا
۶۴	لذات معنوی
۶۵	فلسفه احکام
۶۵	برای درک حقایق
۶۶	وادی عشق
۶۶	طعم انس با خدا

۶۷	درک محبت
۶۷	صد جزء رحمت
۶۸	تمرین بهشت
۶۸	نامه محبوب
۶۹	محبت تنها
۶۹	امید به رحمت
۷۰	پذیرش رحمت
۷۱	شمشیر محبت
۷۱	بنیاد خلقت
۷۲	بهشت ارزان
۷۲	اظهار گناه
۷۳	فقیر درگاه خدا
۷۴	انواع بلا
۷۴	سزای از اسرار خدا
۷۵	لذت ابتلا
۷۵	مهربان تر از پیامبر
۷۶	پیوند با انسان کامل
۷۶	دیدار دوست
۷۷	ظرف محبت
۷۷	در جوار محبوب
۷۸	سیره اهل محبت
۷۹	غم شادی آفرین
۷۹	هنر محبت
۸۰	بوی گل
۸۱	پی نوشتها
۸۵	درباره مرکز



مشخصات کتاب

سرشناسه: فرحزاد، حبیب الله، 1341 -

عنوان و نام پدیدآور: نسیم بهشت: نکته هایی در باب محبت و رحمت / حبیب الله فرحزاد.

مشخصات نشر: قم: طوبای محبت، 1391.

مشخصات ظاهری: 72ص.

فروست: سیره پیامبر صلی الله علیه و آله؛ 1.

یادداشت: کتابنامه: ص. [394]-399؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق.

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، 53 قبل از هجرت - 11ق. -- اخلاق

رده بندی کنگره: 1387 3م4/BP22/9

رده بندی دیویی: 297/93

---

این کتاب به صورت مردمی (خواهران و طلاب) شهر نجف آباد اصفهان به صورت افتخاری تایپ، کدزنی و غلط گیری شده جهت نشر دیجیتال در فضای مجازی بر روی سایت مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان.

ص: 1

اشاره







نسیم بهشت، نسیم رحمت و محبت است. در بهشت جز رحمت و محبت نمی توان یافت. اهل بیت علیهم السلام هم که مظهر رحمت الهی و مصداق کامل محبت اند، حقیقت بهشت اند. کلامشان از بهشت است، محضرشان بهشت است، رفتارشان از بهشت است و جز رحمت و محبت از آنان صادر نمی شود. آنها بهشت و بهشت آفرین اند.

کتابی که در پیش رو دارید، نکته‌هایی است در باب محبت و رحمت که از دو کتاب ارزشمند «محبت و رحمت» و «محبت زنان و کودکان»، اثر حجت الاسلام والمسلمین، استاد حبیب‌الله فرحزاد بر گرفته شده است. این مباحث به سیره و سخنان پیشوایان بزرگ دین، به ویژه نبی مکرم اسلام در باب محبت و رحمت پرداخته و دری از رحمت الهی به سوی همه انسانها گشوده است.

خداوندا! با جذبه مهر و رحمت خویش دل‌های ما را از عشق و محبت خود و اولیایت آکنده بگردان.

آمین!

قم - اکبر اسدی

تابستان 1391

ص: 6

## فهرست مطالب

- 13... مظهر رحمت خدا
- 14... محبت و انس
- 14... تألیف قلوب
- 16... حیات پاک
- 16... نردبان کمال
- 17... وقت ملاقات
- 18... غنای الهی
- 18... رحمت محض
- 19... بوی رحمت الهی
- 20... خوش بینی به خداوند
- 21... یأس از خود
- 21... سیراب محبت
- 22... حبیب خدا
- 22... مدار عشق
- 23... انگیزه آفرینش
- 23... رحمت گسترده خداوند

- خلوت دل ... 24
- نشستن با خدا ... 24
- گمان خوب و بد ... 25
- پیامبر رحمت ... 25
- ظهور رحمت ... 26
- نزدیک تر از من به من ... 27
- ناز بنده ... 27
- محبت صانع ... 28
- تقرب به پیامبر ... 29
- لطف و قهر ... 30
- لذت محبت ... 30
- جان پیامبر ... 31
- شیرینی محبت ... 31
- شور دیدار ... 32
- پیام آوران محبت ... 32
- جذبۀ محبت ... 33
- بلا و نعمت ... 33
- مهر خدا ... 34
- لذت ماندگار ... 34
- به دنبال آدم ... 35
- کیمیای محبت ... 35



در محضر مذکور... 35

ص: 8

- شور عاشقی... 36
- خارها گل می شود... 37
- اعراض از دشمن... 37
- بندۀ محبت... 38
- استن حنانه... 38
- کار محبت... 39
- مقام محبوبیت... 40
- باغبان زیبایی ها... 41
- اب محبت... 41
- محبت در عبادت... 42
- محبت پیامبر... 43
- گردونه محبت... 43
- مقام ادب... 44
- محبت تام... 45
- صفت رحمانیت... 45
- حمام محبت... 46
- پیام محبت... 47
- دوستان اهل بیت علیهم السلام... 48
- باغبان هستی... 49
- مسیر اهل بیت علیهم السلام... 49
- ارزش محبت... 50

دلسوزی برای امت...50

ص: 9

- طعم محبت ... 51
- خداشناس ترین مردم ... 51
- دلالت محبت ... 52
- بهشت محبت ... 52
- پیک خدا... 53
- لذات معنوی ... 53
- فلسفه احکام ... 54
- برای درک حقایق ... 54
- وادی عشق ... 55
- طعم انس با خدا ... 55
- درک محبت ... 56
- صد جزء رحمت ... 56
- تمرین بهشت ... 57
- نامه محبوب ... 57
- محبت تنها ... 58
- امید به رحمت ... 58
- پذیرش رحمت ... 59
- شمشیر محبت ... 60
- بنیاد خلقت ... 60
- بهشت ارزان ... 61
- اظهار گناه ... 61



انواع بلا...63

سری از اسرار خدا...63

لذت ابتلا...64

مهربان تر از پیامبر...64

پیوند با انسان کامل ... 65

دیدار دوست...65

ظرف محبت...66

در جوار محبوب...66

سیره اهل محبت...67

غم شادی آفرین...68

هنر محبت...68

بوی گل...69

پی نوشتها...70

ص: 11



پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مظهر رحمت الهی است و جز رحمت چیزی از او صادر نمی شود. انذارهایش هم همه رحمت و بشارت است.

تمام انذارهای پیامبر صلی الله علیه وآله از شدت رأفت و رحمت است. کسی را که دوست داشته باشید، اگر بیمار شد، رهایش نمی کنید، داروی تلخ به او میخورانید، به او آمپول می زنید، حتی او را به دست تیغ جراحی می سپارید، هر چند بر خلاف میلش باشد. آن مهر و محبت شما اجازه نمی دهد که او را به حال خود واگذارید، یا به میلش رفتار کنید.

اگر دیدید مادری به زور و با کتک به فرزند کوچکش دارو میدهد، این ظاهرش تند و غضب است، ولی باطنش رحمت است. چند نفر از کفار حربی را اسیر و در غل و زنجیر کرده بودند. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به آنها نگاهی کردند و تبسم نمودند. کفار گفتند: می گویند: شما پیغمبر مهربانی هستید، ما را در غل و زنجیر کرده اید و می خندید؟ پیامبر فرمود: «ما می خواهیم با غل و زنجیر شما را



به سوی خیر بکشیم و به بهشت ببریم. تبسم من برای این است که شما می خواهید فرار کنید. (1)

## محبت و انس

چرا پیغمبر خدا از سلمان سیر نمی شود و سلمان هم از پیغمبر خدا؟ سلمان شبها گاهی پیش پیامبر می نشست و با آن حضرت انس می گرفت. عایشه می گوید: این انس و مجالست به قدری طول می کشید که نزدیک بود بر حق ما زنان غالب شود. (2)

چرا حضرت زهرا سلام الله علیها پیغام میدهد که چرا سلمان به دیدن من نمی آید؟ (3) چون از محبت و انس با سلمان لذت می برد. این ها به دنبال انسان می گردند. انسانی که واقعا به انسانیت رسیده باشد و از مطامع دنیوی بیرون آمده باشد.

## تألیف قلوب

یکی از سیره های پیغمبر خدا تألیف قلوب بوده؛ دل ها را به هم نزدیک می کرده است. اگر دو تا دل با هم یکی شود، سومی آنها خدا و امام زمان علیه السلام و همه خوب های عالم اند. فرق نمی کند،

ص: 14

---

1- اسد الغابة، ج 3، ص 774.

2- بحار الانوار، ج 33، ص 391، ح 29.

3- مهج الدعوات، ص 5.

زن و شوهر باشند یا رفیق و یا همسایه. اگر دو تا دل با هم یکی شد، رحمت خداوند سرازیر می شود. یکی شدن یعنی دیگر من و تویی نباشد. دو تا دل که یکی شد، همه هستی به آنجا می آید. در برابر آن، هر جا که دو تا دل از هم فاصله گرفتند، سومی آنها شیاطین و بدهای عالم اند. همین است که مولانا می گوید:

جان گرگان و سگان از هم جداست

متحد جانهای مردان خداست

اگر دو تا دل واقعا یکی شود، یعنی من و تو نداشته باشیم، جبینمان یکی می شود، آبرویمان یکی می شود، خواهش هایمان یکی می شود. اگر کسی به شما ضرر زد، به من ضرر زده است. همچنین ضرر به من، ضرر به شماست. اگر خیری به من رسید، شما خوشحال می شوید و اگر خیری به شما رسید، من خوشحال می شوم. اگر ضرر به شما رسید، من پکر می شوم و اگر به من رسید، شما پکر می شوید. این خیلی مهم است.

ص: 15

## حیات پاک

پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه وآله دست یافتن به حیات و زندگانی پاک و پاکیزه است. سیره‌ها و سنت‌های ریز و درشت پیامبر صلی الله علیه وآله راه و روش خوب زندگی کردن است. پیامبر خدا به همه سلام می‌کردند، ما هم سلام کنیم. مولاعلی علیه السلام فرمودند:

«محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند کسی است که به پیامبر خدا تاسی کند.»<sup>(1)</sup> راه رفتنش، حرف زدنش، معاشرتش، نشست و برخاستش، رفتارش همه شبیه به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله باشد.

## نردبان کمال

همین رفتار و سیره پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بود که عالم را متحول کرد. شنیده‌اید که آن یهودی که به پیامبر صلی الله علیه وآله دشنام می‌داد، بیمار شد. ما اگر بودیم می‌گفتیم: خدا کند هلاک شود، ولی پیامبر صلی الله علیه وآله به عیادتش رفتند.<sup>(2)</sup> شاید ما تحمل این رفتار پیامبر صلی الله علیه وآله را نداشته باشیم. یهودی پیشکشمان، دست کم به فامیل، به همسایه‌ها، به مشتری‌ها، به دوستان خودمان سلام کنیم. کسی که یک سیره از

ص: 16

---

1- نهج البلاغه، خطبه 160.

2- کتاب ابلیس، ص 204.

سیره های پیغمبر صلی الله علیه و آله را به طور اساسی دنبال کند، نجات پیدا می کند؛ چون این ها مثل زنجیر به هم متصل اند. ببینید، اگر از همین یک سیره سلام کردن پیروی کنید، تکبر از وجودتان رخت بر می بندد و متواضع میشوید. خداوند نیز برای همین تواضع، شما را بالا می برد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ کس تواضع نکرد، جز اینکه خداوند در جه و مقام او را رفیع گردانید.» (1)

## وقت ملاقات

برای ملاقات با برخی از مسئولین چند ماه باید در نوبت بمانی. قربان این خدا که هر وقت بخواهی می توانی بدون نوبت و وقت ملاقات با او صحبت کنی! مگر عقل ما کم است که به در خانه اهل دنیا برویم! به قول حافظ:

بر در ارباب بی مروت دنیا

چند نشینی که خواجه کی ز در آید

باید مدت ها در نوبت بنشینی تا به او برسی. تازه معلوم نیست که مشکل شما را حل کند. پیش خدا و امام زمان علیه السلام برو. همه جا و همه وقت می توانی با آنها ملاقات و صحبت کنی. شب و روز بیدارند

ص: 17

و به شما پاسخ می دهند. امام معصوم و پیغمبر اگر خواب هم باشند، جواب می دهند. آیا اگر کسی نیمه شب امام زمان علیه السلام را صدا بزند، جواب نمی دهد؟ حضرت امیر علیه السلام فرمود: «یقیناً میت ما نمرده است و غائب ما غائب نیست و کشته های ما کشته نیستند.»<sup>(1)</sup>

## غناى الهى

آدم های بزرگی که به غناى خدا سر در می آورند، به هیچ کس نیاز ندارند. اگر به کسی امری می کنند، می خواهند به او عنایتی کنند. مؤمن وقتی وصل شد، اگر همه عالم به او دست بزنند، دست همه را می گیرد و نجات می دهد.

## رحمت محض

سیره پیامبر و امامان علیهم السلام محبت و رحمت و جذب بوده است. اگر در مواردی هم دفع می کردند، به خاطر جذب بوده است. چاره و راهی جز این وجود نداشته است. برای یک عضو سرطانی علاجی جز جدا کردن آن عضو نیست. که این هم بر اساس رحمت است. اگر کافری را

ص: 18

می کشند، از روی لطف و رحمت است. می خواهند جلوی شرش را بگیرند و بدی هایش را کم کنند.

## بوی رحمت الهی

اگر دعاها را مرور کنیم، می بینیم که درهای رحمت خداوند چقدر گسترده و باز است. انسان، با خدایی که پدرش را در بیاورد، نمی تواند انس بگیرد و یگانه شود. خداوند مهربان و باگذشت است. لطف می کند و انسان را به پیش می برد. رحمت خداوند در همه جا و در همه چیز گسترده است. امامان ما چقدر زیبا دعا کردن و گفت و گو با خدا را به ما آموخته اند:

« خدایا، اگر مرا داخل بهشت کنی، پیغمبرت خوشحال می شود. اگر مرا به جهنم ببری، دشمنت شیطان خوشحال می شود. خدایا، به خودت قسم، می دانم که اگر پیغمبرت خوشحال شود، بهتر است تا دشمنت شیطان خوشحال شود.» [\(1\)](#) بوی رحمت الهی از همه دعاها به مشام جان انسان می رسد.

ص: 19

---

1- مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

رحمت الهی دست همه ما را می گیرد. حتی حسن ظن و امید به خدا موجب نجات ما خواهد شد. امام صادق علیه السلام می فرماید: « آخرین بنده ای را که فرمان داده می شود که به سوی آتش ببرند، نگاهش را بر می گردانند. گویا به دنبال گمشده ای می گردد. خداوند عزوجل می فرماید: او را بیاورید. وقتی می آورند، به او می گوید: برای چه نگاهت را برگرداندی؟ می گوید: خدایا، گمان من به تو این نبود. خداوند می فرماید: ای بنده من، گمان تو به من چه بود؟ می گوید: پروردگارا، گمان من به تو این بود که گناهان مرا می بخشی و مرا به بهشت میبری.

خدای متعال می گوید: ملائکه من، به عزت و جلالم و نعمتهایم و بلایم و بلندی مقامم! این بنده من در طول حیات خودش هیچ گاه به من خوش بین نبوده است. اگر در همان حیاتش یک لحظه به من خوش بین بود، او را از آتش جهنم نمی ترساندم. کذبش را روا گردانید و او را وارد بهشت کنید.»<sup>(1)</sup>

ص: 20

## یأس از خود

امید به رحمت حق به معنای این نیست که از خودمان ناامید نباشیم. باید از خودمان ناامید و مأیوس باشیم. از غیر خدا هم باید ناامید بود. راه همین است. تا انسان به یأس نرسد، به امید دست نمی یابد.

## سیراب محبت

وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه وآله ما آن قدر دوست داشتی و جذاب بود که هر کس زمینه ای داشت، جذب آن وجود مهر و رحمت میشد. همان جذبه روحی پیامبر بود که بلال حبشی و دیگر یاران فداکارش را جذب نمود. بلال حبشی چه چیز از پیامبر خدا دیده بود که سنگ های داغ و سنگین را بر سینه خود تحمل می کرد و دست از گفتن أحد، أحد و «لا اله الا الله» بر نمی داشت؟! از یک محبتی سیراب می شد. لذتی که از وجود پیامبر می برد، او را در برابر شکنجه ها مقاوم ساخته بود.

ص: 21



## حبیب خدا

پیغمبر محبوب و حبیب خداست. حبیب الله از لقب های پیغمبر ماست، اصلاً شاید بتوان گفت: محبوب خدا پیامبر است و همه خوبی های عالم هم در اوست. محبوب حقیقی خداوند متعال، همین پیامبر است. اگر شما می خواهید شعاع آن محبت شما را هم بگیرید، پیامبر را دوست بدارید.

## مدار عشق

اساس کار و مکتب پیامبر محبت است، اصلاً خداوند متعال خلقت را به خاطر محبت بنا نهاده است. مقصد مهم آفرینش آسمان و زمین محبت است. اگر محبت نباشد، تمام اعضا و جوارح عالم از هم جدا می شود. محبت این ها را به هم پیوند داده است. تمام ذرات عالم بر مدار محبت و عشق و رحمت می گردد. اگر مدار عشق و رحمت نباشد، اگر یکدیگر را دوست نداشته باشند، از هم جدا می شوند و نظام عالم به هم می خورد.

ص: 22

## انگیزه آفرینش

خداوند به حضرت داوود می فرماید: «ای داوود، به بندگانم بگو که من شما را خلق نکردم که سود ببرم، بلکه خلق کردم تا به شما سود برسانم.» (1)

من نکردم خلق تا سودی کنم

بلکه تا بر بندگان جودی کنم

گر نماز و روزه ای فرموده ام

ره به سوی خویشان بنموده ام

من نگردم پاک از تسبیحشان

پاک هم ایشان شوند و درفشان

اگر شما تسبیح می گوید، من با تسبیح شما پاک نمی شوم، در حقیقت می خواهم شما را پاک کنم.

## رحمت گسترده خداوند

امام زمان علیه السلام رحمت واسعه خداوند است. هنگامی که ظهور می کند می فرماید: «بی گمان رحمت پروردگارتان همه چیز را فراگرفته است و آن رحمت گسترده خداوند منم.» (2)

ص: 23

---

1- ارشاد القلوب، ص 110.

2- بحار الانوار، ج 53، ص 11.

## خلوت دل

انسان در خلوت، خودش را پیدا می‌کند. در خلوت، بهشت را پیدا می‌کند. در خلوت، نشستن در بهشت را تمرین می‌کند. در خلوت، خیالات باطل را از خود دور می‌کند. تا انسان به خلوت و حضور قلب و یگانگی راه پیدا نکند، به جایی نمی‌رسد. پیش از آنکه انسان به تنهایی گور برسد، باید با خود خلوت کند و تنهایی را درک کند. پیش از آنکه در قیامت هر کس را به تنهایی به صحنه آورند، باید تنهایی را چشید.

## نشستن با خدا

انسان در خلوت به جای اولش باز می‌گردد؛ همان طور که آخر الأمر هم به همان جا بر می‌گردد. یعنی در پایان کار می‌بینیم که هر چه بوده، او بوده است و ما هیچ بودیم. این هیچ بودن و این فقر و عجز را در خلوت باید پیدا کرد. اگر این‌ها را پیدا کردیم، قطعاً همان جا خدا پیدا می‌شود، چون می‌بینید که شما هیچید و هر چه هست اوست و «لا اله الا الله» ظهور می‌کند.

خلوت یعنی با خدا نشستن، یعنی از پراکندگی

بیرون آمدن، یعنی آتشیهای نفس را خاموش کردن. همه خوبان عالم خلوت داشته اند.

## گمان خوب و بد

باید به خدای کریم و رحیم خوش بین بود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر بنده ای به خداوند خوش بین باشد، خدا با همان خوش بینی با او عمل می کند. و هر بنده ای به خدا سوء ظن داشته باشد، خداوند با همان بدبینی با او رفتار می کند.» (1)

## پیامبر رحمت

خداوند پیامبرش را به عنوان رحمت برای جهانیان مبعوث فرموده است. همه وجود پیامبر ما محبت و رحمت است. اگر می خواهید چهارده معصوم را معرفی کنید، بگویید: چهارده معصوم یعنی ظهور محبت و رحمت.

بسیاری از یاران باوفای پیامبر در جنگ احد به شهادت رسیدند. دندان پیامبر را در آن جنگ شکستند، پیشانی آن حضرت را آزدند. جراحت های فراوانی بر بدن امیر المؤمنین علی علیه السلام وارد شد. برای پیامبر خدا جنگی سنگین تر از جنگ احد

ص: 25

نبود. انسان در این شرایط سهمگین صبر و طاقت خود را از دست می دهد. یک نفر به پیامبر عرض کرد: چرا نفرین نمی کنی؟ اگر نفرین کنی، همه شان هلاک و نابود می شوند. با این همه صدمه که بر پیامبر خدا وارد آوردند، جای نفرین بود، ولی حضرت فرمود: «من مبعوث نشده ام که لعن و نفرین کنم، بلکه برای دعوت به سوی حق و رحمت مبعوث شده ام. بار الها! قوم مرا هدایت کن که آنها جاهل اند.» (1)

## ظهور رحمت

از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله مشغول وضو بودند که گربه خانه به آن حضرت پناه آورد. پیامبر دانستند که او تشنه است. وضو را رها کردند و ظرف آب وضو را جلو او گذاردند تا سیراب شد. آنگاه با بقیه آن وضو گرفتند. (2) همه اینها ظهور رحمت و محبت است.

پیامبر آن قدر لطیف و حساس بود که اگر دست مبارکش را در فضا بالا و پایین می برد، به قدری آرام حرکت می داد که فضا آزردن نشود. عصمت پیامبر خیلی شدید بود. یعنی این فضا

ص: 26

---

1- سفینة البحار، ج 2، ص 681.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 5، ح 17.

دارای ذرات و موجوداتی نامرئی است که ما نمی بینیم.

## نزدیک تر از من به من

خدا می گوید: من در وجود تو هستم. وجود تو را پر کرده ام. (1) کلامی لذیذتر، شیرین تر، آشناتر و نزدیک تر از کلام خدا به ما نیست. چون آن کسی که ما را درست کرده است، با ما سخن گفته است. کسی که این فطرت و عقل و فهم و چشم و شعور را به ما داده است، این سخنان را به ما گفته است. مواظب باش به سراغ بقیه کلمات نروی.

خدا می گوید: «من از رگ گردن به تو نزدیک ترم» (2) در وجود توام. آیا نمی خواهی نگاه کنی؟

کیست این پنهان مرا در جان و تن

کز درون من همی گوید سخن

اینکه گوید از زبانم راز کیست

بشنوید این صاحب آواز کیست

## ناز بنده

نخستین کس در محبت، خداوند است. اصلاً خدا می خواهد عشق ورزی کند. در حدیثی قدسی

ص: 27

---

1- سوره ذاریات، آیه 21.

2- سوره ق، آیه 16.

آمده است: «ای بنده من، به حقی که تو بر من داری، من دوستت دارم. پس به حقی که من بر تو دارم، تو نیز مرا دوست بدار!» (1)

خدا بی نیاز مطلق است. او باید ناز کند و ما باید نیاز نشان دهیم. او باید ناز کند و ما باید نازش را بخریم. اما خدا به عکس عمل می کند، ما ناز می کنیم و خدا ناز ما را می خورد. ما نیازمند نواز شمیم، خدا نوازش می کند. از این حدیث بوی نوازش می آید. خداوند دارد ناز بنده اش را می خورد.

## محبت صانع

امام هشتم علیه السلام فرمودند: فرعون وقتی داشت غرق می شد، به حضرت موسی استغاثه کرد. مرتب التماس می کرد. حضرت موسی هم گفت: باید غرق بشوی و غرق شد. موسی علیه السلام شب برای مناجات به درگاه خدا آمد، اما خداوند گفت: «ای موسی، تو فرعون را اجابت نکردی، چون او را خلق نکردی. اگر به من استغاثه کرده بود، او را اجابت می کردم.» (2) یعنی اگر تو صانع و خالق او بودی، جوابش را هم می دادی. اگر فرعون یک بار

ص: 28

---

1- ارشاد القلوب، ج 1، ص 171، باب 5.

2- علل الشرایع، ص 59.

یارب و یا الله می گفت، او را اجابت می کردم. مگر ممکن است خدا خلقتش را دوست نداشته باشد؟ صنعتگر صنعتش را دوست می دارد. صانع مصنوعش را دوست می دارد. خالق مخلوقش را دوست می دارد.

### **تقرب به پیامبر صلی الله علیه وآله**

هر کس عبودیتش بیشتر است، به پیامبر خدا علیه السلام نزدیک تر است، چون جایگاه پیامبر خدا در آنجا قرار دارد. هر کس خاکی تر است، هر کس در پیشگاه خداوند افتاده تر است، هر کس در عالم نیستی و فنا بیشتر راه می رود، هر کس بیشتر به خدا جان داده است، هر کس تقویض امورش به خدا بیشتر است و هر کس بیشتر مرده است، آن کس به پیامبر نزدیک تر است. هر کس خوش اخلاق تر است، به پیامبر نزدیک تر است. هر کس که محبتش به پیامبر بیشتر است، به آن حضرت نزدیک تر است. نزدیک ترین فرد به پیامبر خدا، امیر المؤمنین علیه السلام است که جان پیامبر است.

ص: 29



## لطف و قهر

تمام اندازها، هشدارها و تهدیدهای خدا و انبیا از شدت خیرخواهی و لطف است. کودک بیمار شما، زیر بار دارو و آمپول نمی رود، اما شدت محبت شما رهایش نمی کند. دست و پایش را می گیرید و به زور به او آمپول می زنید. تمام فشارهایی که از سوی انبیا بر بشر وارد می شود، ظاهرش زور است، ولی باطنش لطف و رحمت است.

عاشم بر قهر و بر لطفش به جد

ای عجب من عاشقم این هر دو ضد

یعنی در قهرش هم لطف خوابیده است. چرا ما را این همه ترسانده اند؟ چرا این قدر آیه های عذاب داریم؟ چرا این همه سخن از جهنم و آتش دوزخ است؟ برای اینکه می خواسته اند ما را به مهمانخانه و به مجلس مهمانی ببرند. می گویند: اگر به مهمانی نیایید، زندانتان می کنیم.

## لذت محبت

حلوا به کسی ده که محبت نچشیده است. کسی که طعم محبت را چشید، ذائقه او از طعم های دنیا سیر است. زمان و مکان و پول و پست و مقام و شهرت،

ص: 30

همه در برابر او هیچ اند. شیرینی و لذت محبت خدا و دوستانش را با چیزی نمی توان مقایسه کرد؛ اینکه من خدا را دوست داشته باشم و خدا هم مرا دوست داشته باشد. پیامبر و اهل بیت و امیر المؤمنین علیهم السلام را که جان پیامبر است، دوست داشته باشم.

### جان پیامبر

آمدن همه انبیا مقدمه ای برای آمدن پیامبر ما بود. و آمدن پیامبر ما هم مقدمه برای آمدن باطن و جان و حقیقت درونی خودشان، یعنی امیر المؤمنین علی علیه السلام بود. در حقیقت مقصود، ظهور باطن پیامبر بوده است. نبوت ظاهر پیامبر است و ولایت باطن پیامبر. امیر المؤمنین علیه السلام سر پیامبر است که برای اهلش ظاهر شد.

### شیرینی محبت

یکی از اساسی ترین و ریشه دار ترین، بلکه مهم ترین سیره های پیامبر خدا، سیره محبت و رحمت است. شاید پس از نام های خدا و اولیایش کلمه ای شیرین تر از محبت نباشد. کسی که طعم محبت را چشیده، در ذائقه او چیزی به شیرینی

محبت یافت نمی شود. محبت یعنی من شما را دوست داشته باشم و شما هم مرا. چقدر شیرین و لذت بخش است. پول من با پول شما، جیب من با جیب شما، دعای من با دعای شما یکی می شود. اصلاً دوگانگی از میان می رود. هیچ چیز مثل محبت دوگانگی را از بین نمی برد.

## شور دیدار

خداوند به حضرت موسی علیه السلام وعده ملاقات داد. فرمود: چهل روز دیگر برای ملاقات با من به طور بیا. حضرت موسی به شوق دیدار خدا چهل روز آب و غذا نخورد، (1) چهل روز شوق و عشق، آدم را سیر می کند. دیدار خداست!

## پیام آوران محبت

پیامبران آمده اند تا مردم را به محبت خدا برسانند. اگر پیامبری بیاید و مردم را از خدا جدا کند، خدا آن پیغمبر را مؤاخذه می کند. چرا خدا حضرت یونس را در شکم ماهی زندانی کرد؟ چون امتش را زود نفرین کرد و آنها را رها کرد و رفت. چرا حضرت نوح پانصد سال گریه می کرد؟ چون امتش را زود نفرین کرد.

ص: 32

## جذبۀ محبت

همه خوب ها که به این دنیا آمده اند، به دنبال محبت و انس اند. دوست آنها را کشیده و به این دنیا آورده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر در زمین مؤمنان کاملی نبودند، خداوند ما را به سوی خود می برد.» (1) یعنی آمدن ما به این دنیا، به خاطر دوستان مؤمن بوده است. اگر آنها نبودند، خداوند ما را پیش خود می برد. دوست ما را خاک نشین کرده است. دوست موجب شده است که ما این همه ابتلا ببینیم. آنها از دیدن دوست لذت می برند.

## بلا و نعمت

در همه شرور هم خیر وجود دارد. امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند: «هیچ بلا و گرفتاری نیست، مگر اینکه خداوند در آن نعمتی قرار داده است که آن بلا و گرفتاری آن نعمت را احاطه کرده است.» (2)

اصلاً ماشر محض نداریم. چقدر خیالمان راحت است! هر شری با خیر آمیخته است و مقدمه خیر است.

ص: 33

---

1- مستدرک الوسائل، ج 7، ص 213، ح 8069.

2- بحار الانوار، ج 75، ص 374، ح 34.

حضرت یعقوب علیه السلام به یوسف بسیار علاقه مند بود. چهل سال گریه کرد. چشمش کور شد. قدش خمیده گشت. موهایش سفید شد. در روایت آمده است که هفتاد برابر یک پدر معمولی به یوسف علاقه داشت. اما خدای متعال هفتاد برابر علاقه یعقوب به یوسف به بنده هایش علاقه دارد و نسبت به آنان مهربان تر است.

## لذت ماندگار

لذت محبت لذتی حی و باقی است. بقیه لذت ها مردنی و از بین رفتنی است. ممکن است چند لحظه کام انسان را شیرین کند و تمام شود. بعد هم ثقل و سنگینی اش سر معده انسان بماند. اما لذتی که انسان از نشستن با یک مؤمن به دست می آورد، سالیان سال در کاش می نشیند. لذت محبت مردنی و از بین رفتنی نیست. حی و حاضر است. هر وقت از آن یاد کنی، زنده می شود.

## به دنبال آدم

چرا وقتی زکریا بن آدم قمی - که یک پارچه محبت و صدق و صفا بود . به محضر امام هشتم علیه السلام آمد، حضرت همه کارهایشان را تعطیل کردند؟<sup>(1)</sup> اولیای خدا به دنبال آدم می گردند. لذتشان در این دنیا فقط انس با آنهاست. هنر انسان محبت و صدق و صفا و مکارم اخلاق و ایمان است. اولیای خدا همه چیزشان بر اساس محبت است؛ محبت به خدا و بندگان خدا

## کیمیای محبت

کیمیایی همانند محبت وجود ندارد. وقتی محبت آمد، انسان زشتی ها را نمی بیند. فقط خوبی ها را می بیند. وقتی پدر به فرزندش علاقه دارد، اگر فرزندش زشت ترین افراد هم باشد، باز دوستش دارد و او را زیبا می بیند.

## در محضر مذکور

انسان وقتی در حضور مذکور باشد، نیازی به ذکر هم نیست. ذکر مقدمه ای برای رسیدن به مذکور است. کسی که امام زمان علیه السلام را نمی بیند و از

ص: 35

آن حضرت دور است، صدا می زند: یابن الحسن، یا صاحب الزمان علیه السلام! اما کسی که در محضر آقا نشسته است، آیا می تواند صدا بزند یابن الحسن «عج»؟! اصلا این کار زشت است.

بزرگی می فرمود: ذکر برای رسیدن به مذکور است. اما وقتی که در محضر هستی، هر چه می توانی بمیر. ایشان یک تعبیر قشنگی داشت. می فرمود: در نماز اگر نمی توانی بمیری، دست کم بخواب. شاید این تعبیر برای عوام خیلی نامأنوس باشد. مقصود این است که خودت را کنار بگذار.

## شور عاشقی

محبت همه خستگی ها را می برد. انسان زمان و مکان نمی فهمد. بچه ها را دیده اید چه عشقی به توپ و بازی دارند. ما اگر در گرمای بعد از ظهر تابستان ده دقیقه بمانیم، گرمازده و کلافه می شویم. اما بچه ها در همان هوا بازی می کند و عرق می ریزند. اصلا به فکر تشنگی و گرسنگی نیستند. گرما و سرما و خستگی نمی فهمند.

اوئیس قرن یکی از اصحاب حضرت امیر علیه السلام است. او شب ها نمی خوابید. یک شب نگاهی به

آسمان می کرد و می گفت: امشب شب رکوع است و تا صبح در رکوع بود. شبی دیگر می گفت: امشب شب سجود است و تا صبح در سجده بود. به او گفتند: چرا این قدر خودت را به زحمت می اندازی؟ گفت: ای کاش از ازل تا ابد یک شب بود و من آن را به یک سجده به پایان می بردم. (1)

### خارها گل می شود

اگر در عالم محبت وارد شویم، همه ابتلائات باطل می شود. تمام زشتیها زیبا و تمام خارها گل می شود. در محبت های مجازی دیده ایم، دو نفر که عاشق یکدیگرند، هر چه ملامت و تهدید و سرکوبشان کنند، واهمه ای ندارند.

### اعراض از دشمن

دوستان را که می بینید با قلب و صورت باز به طرفشان بروید و دشمن ها را از پشت سر لگد بزنید. یعنی با دلتان به دوست رو بیاورید و از دشمن اعراض کنید. گاهی انسان به مرتبه ای می رسد که حاضر نیست نام دشمن را هم بشنود و از او یادی کرده شود. در اینجا بغض و دشمنی کامل است. اگر دوستش نداری، چرا یادش می کنی؟

ص: 37



داستان سلاطین را شنیده اید که برای ریاست چه می کردند! هزاران نفر را می کشتند که مبادا کسی به ریاستشان نظری داشته باشد. حتی نزدیکان خود را نیز از میان بر می داشتند. اما سلطان محمود غزنوی عاشق یک غلام شد. خودش از تخت سلطنت پایین می آمد و غلامش را بالای تخت می فرستاد و مانند یک عبد پیش پای او می نشست. «از محبت شاه بنده می شود.»

چیزی جز محبت و عشق نمی تواند انسان را از سلطنت نفس و سلطنت دنیا پایین بیاورد. داروی همه دردهای ما همین است. اگر به این کیمیا دست پیدا کنیم، به همه چیز دست پیدا کرده ایم. عشق در وجود همه ما هست، ولی مهم این است که در جای خودش به کار بندیم.

## استن حنانه

در روایات آمده است که درخت خشکی در مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله بود. پیغمبر خدا وقتی می خواستند با مردم صحبت کنند، به آن درخت تکیه می دادند. خانمی از روی مهر و محبت به پیامبر عرض کرد:

یا رسول الله، پسر من نجاری می داند، اجازه بدهید یک منبر سه پله ای درست کند. منبر را درست کردند و حضرت چوب خشک را رها کردند و روی منبر نشستند. همانند ناله مادری که جانش مرده باشد، ناله ای جانسوز از غم هجران پیامبر، از درخت خشکیده بلند شد.

پیامبر خدا از منبر پایین آمدند و این درخت را در آغوش گرفتند و دست به آن کشیدند و آن را نوازش کردند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر پیامبر این کار را نمی کردند، این درخت تا قیامت ناله می کرد و صدایش را همه می شنیدند.»<sup>(1)</sup>

بنواخت نور مصطفی آن استن حنانه را

کمتر ز چوبی نیستی حنانه شو حنانه شو

محبت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در همه ذرات عالم نفوذ می کند؛ از چوب خشک تا سنگ ریزه و حیوانات و درندهها.

### کار محبت

حضرت امیر علیه السلام در مدینه بودند. افراد بسیاری در مدینه از دنیا رفتند، ولی حضرت بر جنازه آنان حاضر نشد. اما وقتی شنیدند که سلمان در مدائن از

ص: 39

---

1- بحار الانوار، ج 17، ص 326 و 365.

دنیا رفته است، با طی الارض به مدائن آمدند. کفنی را که حضرت زهرا سلام الله علیها برای سلمان تهیه کرده بود، با خود آوردند. بین محبت چه می کند؛ حضرت زهرا سلام الله علیها به فکر کفن سلمانش هم بوده است! حضرت امیر علیه السلام وارد مدائن می شوند. بدن سلمان سرد شده بود. وقتی حضرت وارد غسلخانه شدند، سلمان بلند شد نشست و گفت: السلام علیک یا امیر المؤمنین علیه السلام! و دوباره افتاد. (1) «از محبت مرده زنده می شود.»

## مقام محبوبیت

محبت و دوست داشتن بسیار دردسر دارد. کسی که محب می شود، باید مال و جان و هستی بدهد. عاشقی جان کندن است. ولی کسی که محبوب دیگران شد، هیچ کاری ندارد؛ همه فدایش می شوند. پیامبر ما محبوب است. شما هم سعی کنید محبوب شوید. باید کاری کنیم که دیگران خاطر خواه ما شوند. مقام محبوبیت بسیار بالاتر است. چه کنیم که محبوب شویم، آن هم محبوب خدا؟ امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: محبوب ترین بندگان نزد خداوند کسی است که

ص: 40

سر این مطلب هم روشن است. خداوند پیامبرش را بیش از همه دوست دارد. کسی هم که شبیه او شود، محبوب خداوند می شود.

## باغبان زیبایی ها

گل بو می کنی و صلوات می فرستی، خداوند گناهانت را می آمرزد. (2) انسان هر زیبایی، هر چیز قشنگ و هر درخت و گیاه و گل زیبا و خوشبویی که می بیند، بر محمد و آل محمد صلوات می فرستد؛ چون اینها از آن باغی است که باغبان و زارع و همه کاره اش چهارده معصوم اند.

## آب محبت

محبت همانند آب است. حیات همه موجودات وابسته به آب است. اگر آب نباشد، موجودی درست نمی شود. تکوین خلقت با آب است. ادامه خلقت با آب است. همه خوراکی ها، میوه ها و غلات از آب درست شده است. برای طبخ آنها نیز نیازمند آیم. اصلا اول کار آب، وسط کار آب و آخر کار هم آب است. به یک

ص: 41

---

1- نهج البلاغه، خطبه 160.

2- رجوع کنید به: سفینه البحار، ج 3، ص 420.

معنا همه موجودات می گویند: آب آب آب؛ یعنی رحمت و محبت، یعنی همه ما از محبت درست شده ایم و ادامه کارمان نیز نیازمند محبت است.

## محبت در عبادت

اگر یک دوست بسیار صمیمی برای شما نامه بنویسد، آن را با شوق و محبت باز می کنی و می خوانی. وقتی از روی محبت بخوانی، اثر دارد. اگر محبت نداری، نخوان. قرآن خواندنی که با اکراه و از روی بی علافگی باشد، چه قرآن خواندنی است؟! نمازی که با کسالت و خمیازه و ناراحتی باشد، چه نماز و عبادتی است؟ امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند: «برای دل‌های آدمیان علاقه و اقبال، و گاهی تنفر و ادبار است. هنگامی که می خواهید کاری را انجام دهید، از روی علاقه وارد شوید؛ زیرا هنگامی که دل را به کاری اجبار کنید که تمایلی به آن ندارید و به آن فشار بیاورید، کور و زده می شود.» (1)

سعی کنید با محبت نماز بخوانید، با محبت عبادت کنید. آن وقت اثر و لذت را خواهید یافت و از آن سیر نمیشوید. وقتی اساس کار پیامبر ما محبت است، باید تمام کارهایمان روی محبت باشد. نماز خواندن،

ص: 42

یعنی با خدا عشق بازی کردن. این قیمت دارد.

## محبت پیامبر

پیامبر مآظرفش اندازه ندارد، بسیار وسیع است. اگر بزرگ هر امتی سعه صدر داشته باشد و از میدان به در نرود، خداوند هر چه بلا هست به خاطر او بر می دارد. خداوند فرمود: «ای پیامبر! تا تو در میان آنان هستی، خداوند آنان را عذاب و مجازات نخواهد کرد.» (1) قطعا آن قلبی هم که مملو از محبت پیامبر است، هیچ گاه عذاب نمی شود. مگر اینکه از این محبت جدا شود. در جایی که پیامبر خدا هست، آتش کار نمی کند. همه اش گل و ریحان است.

## گردونه محبت

عشق مجازی آدم را از زمان و مکان و خستگی رها می کند و بیرون می برد، نمی دانم عشق حقیقی چه می کند! گاهی با رفیق صمیمی مسافرتی دور می رویم و اصلا احساس خستگی نمی کنیم. گاهی می گوئیم: نمی دانم کی رسیدیم. این قدر به ما خوش گذشت که طولانی بودن مسافت را نفهمیدیم! در گردونه محبت که وارد شویم، همه

ص: 43

مشکلات حل می شود. اگر عشق خدا در دلمان بیاید، اگر نمازمان با محبت باشد، همه چیزمان عوض می شود. همه چیزمان الهی می شود. اصلاً ما از محبت درست شده ایم. پدران و مادران ما همدیگر را دوست داشتند که ما درست شده ایم. اگر دوست نداشتند، با هم ازدواج نمی کردند. وجود ما از زوجیت و یگانگی سرچشمه گرفته است.

## مقام ادب

انسان وقتی به مقام ادب رسید، از قیل و قال بیرون می آید و همه وجودش عشق و محبت خدا و اهل بیت علیهم السلام می شود. هر کس محبتش بیشتر است، کار و فعلش کمتر است. یعنی در مقابل محبوبش کمتر اظهار وجود می کند. این تلاش هایی که می کنید، یعنی من زنده ام. یعنی در مقابل او تعین و فعل و عنوانی دارم. این راه، راه مردن و جان دادن است. یعنی باید دست و پایت را ببندی و بگویی: خدایا، من کاره ای نیستم؛ هر چه هست، تو هستی و باش. من نیستم. راه سلوک این است که در مقابل خدا بمیری. این است عشق کامل.

ص: 44

## محبت نام

مولانا می گوید: یک نفر می آمد در خانه ی محبوبش را می زد. می پرسید: کیستی؟ پاسخ می داد: منم. می گفت برو که در محبت من خام هستی. چند مرتبه دیگر آمد و باز گفت: منم. منم.

کی می تواند عاشق باشد! کسی که خودش را در برابر معشوق مطرح می کند، نمی تواند عاشق و دلباخته باشد. نمی تواند مرده معشوق باشد.

پس از چندی سوخت و ذوب شد و پخته گشت. آمد در خانه را زد. گفت کیستی؟ پاسخ داد: تویی. گفت بیا داخل.

خدا هم به موسی فرمود: «ای موسی، تو هرگز مرا نمی بینی». (1) یعنی تا تو هستی مرا نمی بینی؛ اما اگر تو نباشی، مرا خواهی دید. ان شاء الله خدا قسمت کند که سرچشمه ی محبت را پیدا کنیم و در محبت غوطه ور شویم.

## صفت رحمانیت

پیغمبر خدا برای همه ی خلائق، در همه ی عوالم رحمت است. حتی برای اشقیاء و بدها هم رحمت است. خیلی عجیب است، پیامبر می نشیند و برای

ص: 45



ابوجهل و ابولهب گریه می کنند، که چرا ابولهب باید در آتش برود. آیا شما می توانید کسی را پیدا کنید که برای جهنمی ها گریه کند؟ گریه کند که چرا این ها باید به جهنم بروند؟ از پیامبر خدا دلسوزتر و مهربان تر و خیر خواه تر و شیفته تر بر خلق نیست. این قدر خلق را دوست می دارد! یعنی خلق را یک چیز دیگر می بیند، خلق نمی بیند. هنر این است که آدم بیاید و برای ابولهب و شمر و بدها غصه بخورد. غصه خوردن برای خوب ها هنر نیست! این صفت رحمانیت است.

## حمام محبت

در روایات به دلسوزی برای خلق توصیه شده است. سعی کنید برای افراد خیر خواهی کنید و راه نجاتی پیدا کنید. رب و مربی کسی است که در کمین باشد تا نجات بدهد. خدا همه گونه وسایل شکار را فراهم کرده است. در کمین است تا دست گیری کند و نجات بدهد. گاهی هم کمین کرده تا ظالم را بگیرد، ولی نه از روی کینه و انتقام، بلکه می خواهد او را هم اصلاح کند. اگر به جهنم هم می برد، برای اصلاح شدن و پاک شدن است.

ص: 46

جهنم حمام محبت است، برای شست و شواز آلودگی هاست.

خدا فراری ها را هم می گیرد و تا جایی که ممکن است دست روی سرشان می کشد تا برگردند. باید قبول کرد و پذیرفت. خداوند سر گردنه را گرفته است، چه میشود کرد! اگر قبول کردی، بهشت می شود. اگر قبول نکردی، می سوزی. چاره نداری که بپذیری و قبول کنی.

## پیام محبت

بنای محبت، یعنی همان مهمانخانه خدا، همان بهشت. پیامبر می خواهد مردم را به آنجا ببرد. می خواهد از همین جا تمرین بهشت کنند. به قول

حافظ شیراز:

بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

پیام پیامبر ما، پیام محبت بود، پیام گل بود. گل بگوییم و گل بشنویم. رفتار و کردارمان گل باشد، خودمان گل باشیم، خار نباشیم. خار چیز خوبی نیست؛ نه زیبایی دارد و نه بوی خوش. فقط به درد سوزاندن می خورد. ولی گل، رنگش،

ص: 47

عطرش، جذابیتش، هنرش، زیبایی اش، همه دلربا و روح افزاست. از گل غیر از زیبایی چه می توان گفت: امیدوارم همه گل باشیم. حرکتان، عبادت‌مان، نفس کشیدنمان، همه بوی گل بدهد. پیامبر ما گل بود؛ گل سر سبد موجودات عالم.

## دوستان اهل بیت علیهم السلام

همه دوستان اهل بیت علیهم السلام گل اند. باغبان آنها امامان علیهم السلام هستند. دارند پرورش می دهند. گل ها متفاوت اند؛ بعضی بسیار خوش بو هستند و بعضی بوی کمتری دارند. بعضی از گل ها هنوز غنچه اند، باز نشده اند. روح و قلب مؤمن غنچه ای است که هنوز شکوفا نشده است. تا به وجه الله نظر نکند، باز نمی شود. یعنی تا صاحب و امامش را نبیند، باز نمی شود. وقتی باغبانش را دید، شکفته می شود. غنچه هم سفت است، هم رنگ و بو و زیبایی اش را آشکار نساخته است، ولی همه زیبایی ها در درون آن موجود است، فعلا در هم پیچیده است. وقتی باز شود، خیلی زیبا می شود.

ص: 48

امام زمان علیه السلام باغبان هستی است. گمان نکنید که حضرت در گوشه ای بیکار نشسته است. امامی که این چنین باشد، به درد نمیخورد. او را قبول نداریم. امام زمان علیه السلام همه جا هست و مشغول تربیت است.

امام زمان علیه السلام در همه صحنه ها و در همه جا حاضرند. خوشا آن چشم و دلی که ببیند. امام علیه السلام باغبان است. مؤمنین را تربیت می کند. امام زمان علیه السلام غنچه ها را پرورش می دهند تا باز شوند. غنچه بعضی از دوستانشان باز شده است و از بعضی در حال باز شدن است. همه در مسیر کمال هستیم. هیچ کس در این مسیر ناقص نمی ماند.

## مسیر اهل بیت علیهم السلام

مسیر اهل بیت علیهم السلام یک آفت ندارد. زدگی و نقصان و سقوط ندارد. حتی از دوستان اهل بیت علیهم السلام، آن عده که به جهنم هم می روند، کسانی را که خیلی پوست کلفت و طغیانگر بودند و در دنیا و برزخ پاک نشدند، در آنجا شست و شو می دهند. پاک می شوند و از آنجا بیرون می آیند. یک نفر از

دوستان اهل بیت علیهم السلام ضایع نمی شود. البته آنها یک عده کمی هستند.

## ارزش محبت

هرجا محبت است، کار ارزش پیدا می کند. اگر گوینده و شنونده همدیگر را دوست داشته باشند، مجلس ارزشمند است. اگر در نماز جماعت امام و مأموم یکدیگر را دوست داشته باشند، خیلی ارزشمند است. اگر معلم و شاگرد به هم عشق بورزند، نتیجه ای پر ثمر و ارزشمند دارد. نمازهایی که می خوانید اگر از روی محبت باشد، قیمت دارد.

## دلسوزی برای امت

خدای متعال از کسانی که دلال محبت اند، خیلی خوشنود است. تا می توانید راهی پیدا کنید و بین خلق را با خدا آشتی بدهید. پیامبر ما هم همین کار را می کرد. می گفت: خدایا، اگر ممکن است امتحان را از این امت بردار تا مردود نشوند. خدایا، اگر ممکن است حساب این امت را به من واگذار که پیش امت های دیگر رسوا و شرمنده نشوند. خداوند فرمود: خودم حسابشان را می رسم

ص: 50

که پیش تو هم شرمنده نشوند. (1) اگر تو خیر خواهی، من از تو خیر خواه ترم. اگر دلسوزی من دلسوز ترم.

## طعم محبت

ان شاء الله از سفره های محبت و رحمت و دعا و الطاف اهل بیت علیهم السلام بهره بگیریم، بچشیم و بچشانیم. اینها همه چشیدنی است. من اگر هزار سال هم بگویم قند چقدر شیرین است، نمی توانی بفهمی یعنی چه! باید خودت بچشی تا بفهمی.

## خداشناس ترین مردم

امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی زیبا و عجیب می فرماید: «خداشناس ترین مردم کسی است که بیشتر از همه برای مردم و به نفع آنان عذر بیاورد، هرچند عذری برای آنها نیابد.» (2)

در این روایت خیلی بشارت خوابیده است. یعنی کسی که بیشتر بتواند راه خدا را باز کند و از مردم دستگیری کند، خدا را بیشتر از همه شناخته است. نه اینکه طرف خدا را بگیرد، بلکه طرف خلق را بگیرد و برای آنان عذر بیاورد و عذر تراشی

ص: 51

---

1- احادیث قدسی، ص 140.

2- میزان الحکمة، ج 3، ص 1888، ح 12269.

کند، بگوید: خدایا، این خلق تو ضعیف و درمانده اند، بیچاره اند، از روی جهالت و نادانی گناه می کنند. ببخش، دستگیری کن، گناهشان را بپوشان! هر چند عذری برای آنها پیدا نکند. خدا این عمل را دوست دارد.

### دلال محبت

در روایتی از پیامبر خدا چنین نقل شده است: «آیا از گروهی که از پیامبران و شهدا نیستند، در عین حال در روز قیامت به جایگاه الهی شان که بر منبرهایی از نور است غبطه می خورند، خبر بدهم؟» گفته شد: ای رسول خدا، اینها چه کسانی هستند؟ فرمودند: «اینها کسانی هستند که بندگان خدا را محبوب خدا می کنند و خداوند را نیز محبوب بندگانش می گردانند.» (1)

چقدر خوب است که انسان بیاید و بنگاه محبت بنا کند و دلال محبت شود. پیامبران همه دلال محبت بودند.

### بهشت محبت

بهشت یعنی عالم محبت؛ یعنی جایی که همه همدیگر را دوست داریم. غمخوار هم هستیم. هم

ص: 52

فکر و هم زبانیم. وجودمان یکی است.

## پیک خدا

کسانی که اهل دنیا هستند، غمشان غم است، شادی شان هم غم است. در شادی شان غم نهفته است. همیشه با هم درگیرند. گلایه و شکایت دارند. اما اهل آخرت به طرف آخرت می روند. شادی شان شادی است و غمشان هم شادی است.

به قول حافظ:

چون غمت را نتوان یافت مگر در دل شاد

ما به امید غمت خاطر شادی داریم

خدا غمش را به هر کس نمی دهد. خدا را شکر کن که غم آخرت داری، غم خدا و فراق داری. غم پیک خداست. غروب جمعه چرا غمگین می شوی؟ این پیک خداست. می گوید: بیا با من مناجات کن و دعا بخوان.

## لذات معنوی

لذت اهل دنیا عموماً از بیرون است؛ یعنی از مال دنیا، منصب دنیا و خوراکی های دنیا لذت می برند. اهل دنیا لذتشان از تن است. از

مسائل

ص: 53



دنیایی است. از پول و مقام و ریاست و شهرت است. از خوب خوردن و شیک پوشیدن است. ولی اهل معنا و اهل محبت و اهل دل از درون لذت می برند. لذانشان روحانی و معنوی است. لذاند مؤمن، لذاند معنوی است.

## فلسفه احکام

اگر به آیات و روایات هم بنگریم، می بینیم که همه احکام بر اساس محبت صادر شده است. هر چیز که محبت را زیاد کند، یا واجب است یا مستحب. نماز ما ارتباط با خداست. بین خالق و مخلوق محبت ایجاد می کند. روزه ما انس و الفت بین بنده و خدا به وجود می آورد. همه عبادات همین طور است، می خواهد بین خالق و مخلوق ارتباط برقرار کند، انس و الفت و دوستی ایجاد کند.

## برای درک حقایق

اگر درونمان از فکر و خیالات سبک و آرام شود و خلجان های قلبی و اوهام و وسوسه ها و خیالات در دل های ما وجود نداشته باشد و کمتر حرف بزنیم، به درجه ای می رسیم که نادیدنیها را می بینیم و نشنیدنی ها را می شنویم.

ص: 54

گاهی انسان لبش آرام است، ظاهرش ساکت است، ولی درونش شلوغ است. هم باید درونمان آرام باشد و هم بیرونمان. کم حرف بزنیم. بسیاری از حرفهایمان را قیچی کنیم تا مهبای درک حقایق شویم.

## وادی عشق

اگر در وادی عشق و محبت بیفتی، گمان نکن که جز این مسیر بتوانی به راه دیگری بروی. تو دیگر به درد کار دنیا و دنیا داران نمی خوری. اگر مردم تو را به زور به وادی ریاست طلبی و دنیا خواهی بکشند، نمی توانی بروی.

## طعم انس با خدا

کسی که یک ذره طعم ایمان و انس با خدا را چشیده باشد، یک چشم و ابروی به او نشان داده باشند و زیبایی عالم معنا را دیده باشد، خیلی راحت اسباب بازی های دنیا را رها می کند. اگر همه دنیا جمع شوند و برای او سینه بزنند، منشأ اثری نیست. اگر همه دست به سینه شوند و بگویند درود بر فلانی، مشکلی را حل نخواهد کرد. اگر همه بگویند مرگ بر فلانی، چیزی از او کم

ص: 55

نمی شود. اگر کسی لذت معنویت و محبت را چشید، خیلی راحت و ساده از همه اینها صرف نظر می کند و پشت پا به دنیا و لذات ظاهری می زند.

### **درک محبت**

انبیا و اولیای خدا هر کس را که قشنگ بود می خوردند؛ یعنی جذبش می کردند. این قدر که دیگر خودش باقی نمی ماند. وجود او جزء وجود آنها می شد. اهل دنیا و عاشقان دنیا اصلاً توان خوردن این گونه غذاها را ندارند. اصلاً درکی از آن ندارند، میلی به آن ندارند. اگر به آنها بگویند بیا برویم با یک مؤمن و ولی خدا دیدار کنیم، می گوید: آیا پول و دینار در آن هست؟ اسم و رسم و شهرت در آن هست؟ اهل دنیا این نوع غذاهای معنوی را نمی توانند بخورند. اهل دنیا غیر از متاع دنیا چیز دیگر به مذاقشان سازگار نیست. کار برای خدا را درک نمی کنند.

### **صد جزء رحمت**

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداى متعال صد جزء رحمت خلق فرموده است. يك جزء از آن

ص: 56

صد جزء را در دنیا ظاهر کرده است و تمام مهربانی های خلق از آن یک جزء است. یعنی مهر و محبت و علاقه پدرها و مادرها به فرزندان، محبت زن و شوهر به یکدیگر، علاقه حیوانات به بچه هایشان و تمام عطوفت و رحمت و محبتی که بین خلایق است، همه از همان یک جزء رحمت است. نود و نه جزء دیگر آن را خداوند در قیامت ظاهر می کند.» (1)

### تمرین بهشت

بیاید بهشتمان را از همین جا تمرین کنیم. اگر با خدا یگانه شدیم، بهشت از همین جا شروع شده است. اگر در برابر قضا و قدر الهی راضی شدیم و تن به رضایت و خواست خدا دادیم، بهشت ما شروع شده است.

### نامه محبوب

از مرحوم علامه طباطبایی پرسیدند: چه کنیم تا محبت خدا در دل ما بیاید؟ فرمودند: قرآن را از روی شوق بخوانید. ثواب را کنار بگذارید. تجارت پیشه نباشید. از روی محبت کلام و پیام و نامه محبوب را که قرآن است بخوانید. از روی

ص: 57

## محبت تنها

انسان اگر در ابتدای راه دشمن می بیند، بد و بدی می بیند، لعن و نفرین می کند و از آنها جدا و دور می شود. اگر انسان از جایی که بدها و بدی ها هستند دور شد و به شهر امام زمان علیه السلام رفت، آنجا همه گل و ریحان است. جز خوبی چیزی نمی بیند. آنجا بهشت و مهمانخانه خداست. در آنجا خاری وجود ندارد. بنابراین بغض معنا ندارد. در آنجا فقط محبت است. جز محبت چیزی یافت نمی شود. آن وقت این سخن که «دین جز محبت نیست»، (1) تحقق پیدا می کند.

## امید به رحمت

خداوند اعلام می کند که ای مردم، بدانید که خدای متعال توبه را قبول می کند. اگر اشتباه و لغزش داشتی، هفتاد سال به خطا رفتی، خدا تو را می پذیرد و همه گناهان را می بخشد.

« بگو: ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا

ص: 58

همه گناهان را می آمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.» (1)

چقدر در این آیات بشارت و امیدواری خواینده است! امید به رحمت و مغفرت خدا، امید به بهشت.

## پذیرش رحمت

اگر پیامبری بیاید و مردم را به خدا بدین کند، یا بگوید نمی آمرزد، یا بگوید دیر می آمرزد، یا کم می آمرزد، خدا پیغمبر را بر کنارش می کند. پیامبرها آمده اند تا آشتی بدهند. خدا آمرزیده است، ما باید بپذیریم.

این پذیرش خیلی مهم است. به خدا خوشبین باشید. فرمود: من پیش گمان بنده مؤمنم هستم. هر چه خوشبین باشد، من هم به همان اندازه برایش کار انجام می دهم، حتی اگر مستحق نباشد. حتی اگر به دروغ بگوید: خدا، تو چه خدای خوبی هستی، چقدر آمرزنده و مهربان هستی، این هم اثر دارد. خدا می گوید: من او را می بخشم. انسان باید برای نجات و رحمت و دستگیری خداوند حيله بزند.

ص: 59

---

1- سوره زمر، آیه 53.

## شمشیر محبت

دو نوع شمشیر داریم: یکی شمشیر آهنی، یکی هم شمشیر محبت. شمشیر محبت خیلی قوی تر است. دشمنان را با شمشیر آهنی می کشند، اما دوستان را با شمشیر محبت شهید می کنند. شمشیر محبت خیلی قوی تر است. شهیدش خون ندارد. شهادتش موت اکبر است؛ یعنی همه هستی اش را می گیرد.

کسانی بودند که در مقابل محبت امامان ما همه چیز خود را باختند. بچه ای که پدر و مادرش را از دست داده و دیگری او را بزرگ کرده است، لباس و خوراک و پوشاک و دکتر و دارو و مدرسه و خانه و زندگی برای او فراهم کرده است و هر چه دارد از اوست، در مقابل آن شخص چه می تواند بکند. جز باختن راه دیگری ندارد. او را شهیدش کرده است؛ شهید محبت و احسان.

## بنیاد خلقت

بنیاد خلقت و آفرینش بر اساس محبت و رحمت است، نه عذاب. یعنی خداوند متعال عالم را خلق نکرده است که جهنم و زندانش را پر کند، بلکه

ص: 60

می خواهد مهمانخانه و بهشتش را پر کند. بعضی گمان می کنند که خداوند عده ای را خلق کرده است تا شکنجه بدهد یا بسوزاند. اگر نگوییم این کار ظالمانه ای است، دست کم کار لغوی است.

## بهشت ارزان

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: «رفتن به بهشت ارزان و رفتن به جهنم پر مشقت و گران است.» (1)

یعنی جهنم رفتن خیلی مایه می خواهد، خیلی بی دینی می خواهد. باید وجدان را زیر پا گذاشت، فطرت را له کرد. خیلی باید از جاده خاکی بروی تا بتوانی به جهنم برسی. آن هم معلوم نیست بگذارند. ولی بهشت رفتن خیلی راحت است.

## اظهار گناه

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «کسی که حسنه خود را پنهان دارد، هفتاد برابر پاداش می بیند. و کسی که آن را آشکار کند، یک پاداش دارد. و کسی که گناه خود را پوشیده دارد، گناهِش بخشیده می شود. و کسی که آن را علنی و افشا کند، خوار و ذلیل خواهد شد.» (2)

ص: 61

---

1- بحار الانوار، ج 75، ص 90، ح 95.

2- بحار الانوار، ج 67، ص 251، ح 4.



در این حدیث چقدر بشارت خوابیده است. به هر کجا دست می اندازی بشارت است. راه به سوی خدا و بهشت است. بنابراین تمام گناہانی را که مرتکب شده ای و خودت میدانی و خدای خودت و هیچ کس خبر ندارد، مورد عفو و بخشش قرار می گیرد. اما کسی که علنی گناه می کند، یا آن را برای دیگران بازگو می کند، در دنیا و آخرت خوار می شود. همه حدود و تعزیرات و شلاق ها و آبروریزی ها به خاطر اظهار گناه است. اظهار گناه از خود گناه بدتر است.

## فقیر درگاه خدا

سر سلسله ی همه ی انبیا و اولیای الهی، پیامبر گرامی اسلام می فرماید: «فقر مایه فخر من است و به آن بر سایر پیامبران افتخار می کنم.»  
[\(1\)](#)

مراد فقر إلی الله و نیاز به خداوند است. یعنی خودم را در پیشگاه خداوند دست خالی و بی چیز می بینم. و این مایه افتخار من است. من هیچ ندارم و خدا همه چیز دارد. کسی که هیچ ندارد، وقتی با همه چیز دار به هم گره خورد، غنای خدا به او می رسد. یعنی فقر او دیگر تمام می شود.

ص : 62

بلا نسبت به افراد متفاوت است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «بی تردید بلا برای ظالم ادب است و برای مؤمن امتحان است و برای پیامبران درجه است و برای اولیا و دوستان خدا کرامت.» (1) هر فردی به تناسب در یکی از این کلاس هاست.

### سری از اسرار خدا

بلا نفس و خودخواهی انسان و تمام وجود او را از بین می برد و فقط خدا را نشان می دهد. بلا سری بین خدا و اولیای اوست. بعضی از مادرها را دیده اید که چگونه فرزندشان را در بغل میفشارند! نزدیک است استخوانهایش را بشکنند. این علامت دشمنی نیست، این شدت علاقه و محبت است.

خدای متعال آن قدر انبیا و اولیایش را دوست دارد که آنها را در آغوش بلا می فشرد. بلا برای اولیای خدا یک کرامت است. سری است بین خدا و آنها. اولیای الهی و کسانی که با خدا سر و سری دارند، از بلا استقبال می کنند و لذت می برند.

ص: 63

چرا عابس بن ابی شاکر در کربلا زره و کلاهخودش را در آورد و به مصاف دشمن رفت. در حالی که این با هیچ قاعده و منطقی سازگار نیست. او از تیر و نیزه ها که به بدنش می خورد، کیف می کرد و لذت می برد. از تکه تکه شدن در راه خدا لذت می برد. این مطلب را اولیای خدا درک می کنند و می فهمند و لذتش را می برند.

وقت آن آمد که من عریان شوم

جسم بگذارم سراسر جان شوم

کربلا بزم و گلستان من است

نیزه و شمشیر ریحان من است

مرغ حقم تیر بارانم کنید

زیر تیغ و تیر پنهانم کنید

### مهربان تر از پیامبر

رسول خدا صلی الله علیه وآله را از خداوند در خواست نمود که هنگام رستاخیز از امتش نزد فرشتگان و پیامبران و دیگر امت ها بازخواست نکند و حساب نکشد و زشتی هایشان را آشکار نسازد و جز خدا و رسول صلی الله علیه وآله، کسی از این کار آگاه نگردد. خداوند فرمود: «ای

حبيب من، من به بندگانم از تو مهربان ترم. اگر تو خوش نمیداری که زشتی هایشان نزد غیر خودت آشکار گردد، من نمی خواهم تو نیز از آن آگاه گردی. پس من به تنهایی از آنان حساب می کشم؛ آن چنان که جز من کسی از گناهانشان آگاه نشود. « (1)

## پیوند با انسان کامل

اگر از انسان کامل بریده و قطع شدیم و او را نشناختیم، مرگ جاهلیت نصیبمان خواهد شد. حیات مادی و معنوی ما در پرتو امامان ماست. هم فیض ظاهر و مادی ما از امام است. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر در روی زمین کسی از ما نباشد، زمین اهل خود را فرو می برد.» (2)

و هم حیات معنوی ما از امام است. اگر سرچشمه حیات معنوی و هدایت را پیدا نکنیم و به آن متصل نشویم، گمراهیم.

## دیدار دوست

گاهی که در تلاطم روحی هستید، غربت شما را گرفته و پکر و پژمرده و افسرده اید، اگر یک

ص: 65

---

1- احادیث قدسی، ص 140.

2- بحار الانوار، ج 57، ص 213.

رفیق خیلی دوست داشتنی که از بچگی با هم بوده اید، یا در جبهه با هم بوده اید، به شما برسد، همین که همدیگر را می بینید، خستگیها، غم و غصه ها و ناراحتی ها از جانتان بیرون می رود. سر حال و شاداب می شوید. ملاقات با یک دوست، شما را دگرگون می کند. نفس دیدار دوست این خاصیت را دارد.

## **ظرف محبت**

محبت با همه گلبول های وجود انسان عجین شده است. روح انسان از محبت است. روح ما مثل یک ظرف است؛ ظرف دل. همه این ظرف را دارند. هیچ دلی از محبت خالی نیست. حتی دیوانه ها به چیزی علاقه دارند. یک بچه به عروسک، به سینه مادر و به پستانک عشق می ورزد. همه چیز انسان از محبت است. دل برخی افراد را محبت دنیا، محبت مقام و ریاست پر کرده است و برخی دیگر محبت خدا و اولیای خدا را در دل دارند.

## **در جوار محبوب**

محب هر چند در ظاهر سنخیتی با محبوب نداشته باشد، ولی بالاخره به او می رسد. یعنی محبت عامل

رسیدن محب به محبوب و محشور شدن با اوست. ثعبان یک غلام بود و پیامبر در اعلا درجه قرب. اما محبت موجب شد که این غلام در اعلا درجه بهشت در کنار پیامبر خدا قرار گیرد. محبت علت انضمام است. چون بن ابی مالک، غلام سیاه چهره ابوذر غفاری بود و بدنی بد بو داشت. اما به امام حسین علیه السلام پیوست و در راه آن حضرت جان فشانی کرد و به شهادت رسید. امام حسین علیه السلام بر بالین او حاضر شدند و فرمودند: «خدایا، روی او را سپید کن و بوی او را خوش و او را با نیکان محشور فرما و با محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله آشنا و معاشر گردان.» (1) او یک غلام سیاه بدبو بود، اما با امام حسین علیه السلام و یارانش محشور می شود.

### سیره اهل محبت

اهل محبت بی غرض اند. خود طرف را می خواهند، نه جیب او را. به خلاف اهل دنیا که از خوردن و آشامیدن لذت می برند. از پول و مقام لذت می برند. در حقیقت منافع خود را می خواهند طرف را نمی خواهند. اگر سلامی کرد، کار دارد.

ص: 67

یعنی تمام محبت‌هایشان آلوده است. سلام و احوال‌پرسی برای این است که می‌خواهد از طرف چیزی بگیرد و او را بچاپد. اما همه لذت اهل محبت این است که با مؤمنی بنشینند و انس بگیرند. یعنی خود طرف و ذات او را می‌خواهد.

## غم شادی آفرین

وقتی با خوبان همنشین شدیم، غم‌ها کم می‌شود. اصلاً آن غمها عوض می‌شود. غمی که برای خدا و امام زمان علیه السلام است، غمی که به خاطر نرسیدن به کمال است، غمی که برای آخرت است، بگذار بیشتر شود. این‌ها مغزش شادی است. اگر دعای ندبه می‌خوانی و در فراق امام زمان علیه السلام گریه می‌کنی، اگر زیارت عاشورا می‌خوانی و در مصائب امام حسین علیه السلام گریه می‌کنی، بعد از آن احساس سبکی می‌کنی. احساس شادی و خوشی می‌کنی.

## هنر محبت

اگر کسی درگردونه محبت افتاد، از همه سختی‌ها لذت می‌برد. مگر عابس را ندیدید که در

ص: 68

روز عاشورا کلاهخودش را از سر برداشت، زره از تن کند و به جنگ دشمن رفت. این اصلا با هیچ قاعده عقلی و شرعی و عرفی نمی سازد که انسان در مقابل نیزه و شمشیر دشمن، لباس جنگش را بیرون بیاورد و بدون زره بجنگد. این هنر محبت است. شمشیرها و نیزه ها به گوشت و استخوان او اصابت کند و او لذت ببرد! از خدا بخواهیم که طعم محبت را به ما هم بچشانند.

## بوی گل

گل بو می کنی و صلوات می فرستی، خداوند گناهانت را می آمرزد. (1) سر سفره می نشینی و با «بسم الله» شروع می کنی و با «الحمد لله» تمام می کنی، خداوند گناهانت را می آمرزد. (2) به این روانی و آسانی چیزی می توان یافت! وقتی گل را می بویی و بر پیامبر و آتش صلوات میفرستی، در حقیقت به پیامبر و اهل بیت علیهما السلام اتصال پیدا می کنی. وقتی سر سفره می نشینی و با نام خدا آغاز می کنی و با «الحمد لله» به پایان می رسانی، غذایی که می خوری نور می شود.

ص: 69

---

1- بحار الانوار، ج 92، ص 347.

2- سفینه البحار، ج 1، ص 105.



- ۱- اسد الغابة، ج 3، ص 774.
- 2- بحار الانوار، ج 33، ص 391، ح 29.
- 3- مهج الدعوات، ص 5.
- 4- نهج البلاغه، خطبه 160.
- 5- کتاب ابليس، ص 204.
- 6- بحار الانوار، ج 72، ص 12، ح 7.
- 7- بحار الانوار، ج 26، ص 6.
- 8- مفاتيح الجنان، دعای کميل.
- 9- سفينة البحار، ج 5، ص 390.
- 10- ارشاد القلوب، ص 110.
- 11- بحار الانوار، ج 53، ص 11.
- 12- سفينة البحار، ج 5، ص 390.
- 13- سفينة البحار، ج 2، ص 681.

- 14 - بحار الانوار، ج 16، ص 5، ح 17.
- 15 - سورة ذاريات، آيه 21.
- 16 - سورة ق، آيه 16.
- 17 - ارشاد القلوب، ج 1، ص 171، باب 5.
- 18 - علل الشرايع، ص 59.
- 19 - بحار الانوار، ج 53، ص 326.
- 20 - مستدرک الوسائل، ج 7، ص 213، ح 8069.
- 21 - بحار الانوار، ج 75، ص 374، ح 34.
- 22 - الاختصاص، ص 86.
- 23 - المحجة البيضاء، ج 9، ص 173.
- 24 - بحار الانوار، ج 17، ص 326 و 365.
- 25 - بحار الانوار، ج 39، ص 142.
- 26 - نهج البلاغه، خطبه 160.
- 27 - رجوع كنيد به: سفينة البحار، ج 3، ص 420.
- 28 - نهج البلاغه، حكمت 193.
- 29 - سورة انفال، آيه 33.
- 30 - سورة اعراف، آيه 143.
- 31 - احاديث قدسي، ص 140.
- 32 - ميزان الحكمة، ج 3، ص 1888، ح 12269.
- 33 - روضة الواعظين، ج 1، ص 12.
- 34 - روضة الواعظين، ج 2، ص 502.



36 - سورة زمر، آيه 53.

37 - بحار الانوار، ج 75، ص 90، ح 95.

38 - بحار الانوار، ج 67، ص 251، ح 4.

39 - عدة الداعي، ص 321.

40 - بحار الانوار، ج 64، ص 235، ح 54.

41 - احاديث قدسي، ص 140.

42 - بحار الانوار، ج 57، ص 213.

43 - ابصار العين، ص 150.

44 - بحار الانوار، ج 92، ص 347.

45 - سفينة البحار، ج 1، ص 105.

ص: 72

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

